

## نقش فرد و موقعیت در قضاوت اخلاقی

ناصر آقابابانی\* / جواد حاتمی\*\*

### چکیده

یکی از رویکردهای پژوهشی در زمینه قضاوت اخلاقی که اخیراً بر آن تأکید شده، رویکرد تفاوت‌های فردی است. مقاله حاضر برای بررسی نقش تفاوت‌های فردی درباره قضاوت اخلاقی در مورد یکی از معماهای اخلاقی کلاسیک، یعنی معمای واگن انجام شده است. ۳۸۹ دانشجوی دو پژوهش شرکت کرده‌اند. در پژوهش اول، ۲۲۵ دانشجو علاوه بر پاسخ به معمای واگن، به خزانه بین‌المللی گویه‌های شخصیت و مقیاس تجدیدنظرشده جهت‌گیری دینی پاسخ داده‌اند. در پژوهش دوم، ۱۶۴ دانشجو علاوه بر پاسخ به نسخه دیگری از معمای واگن، به پرسش‌نامه شخصیت هگزاکو، پرسش‌نامه کنجکاری و اکتشاف ۲ و مقیاس خودارزیابی معنویت‌پاسخ داده‌اند. نتایج دو پژوهش نشان می‌دهد که تفاوتی بین دو جنس در قضاوت اخلاقی وجود ندارد. سن، متغیرهای دینی و شخصیتی (به جز وظیفه‌شناسی در پژوهش اول، و صداقت-فروتنی در پژوهش دوم) رابطه‌ای با قضاوت اخلاقی نداشتند. مقایسه دو نسخه معمای واگن نشان می‌دهد که احتمال مخالفت با آسیب رساندن به یک نفر در صورتی که پیامد جانبی نجات جان چند نفر باشد (معمای دوم)، کمتر از موردی است که آسیب رساندن به یک نفر، وسیله‌ای برای نجات جان چند نفر است (معمای اول). طبق این نتایج، قضاوت اخلاقی درباره معمای واگن به تفاوت‌های فردی چندان حساس نیست. موقعیت و قصد عامل (فراتر از پیامدهای عمل) مؤلفه تعیین‌کننده‌ای در قضاوت اخلاقی درباره اعمال دیگران است. کلیدواژه‌ها: قضاوت اخلاقی، معمای واگن، تفاوت‌های فردی، شخصیت و روان‌شناسی اخلاق.

naseragha@gmail.com

\*کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه تهران

\*\*استادیار گروه روانشناسی دانشگاه تهران

دریافت: ۹۰/۱۰/۲۶ - پذیرش: ۹۱/۱/۲۸

### مقدمه

دانش اخلاق به این می‌پردازد که چه چیزی درست و چه چیزی نادرست است. هنگامی که می‌کوشیم معیارها یا قواعدی را فراهم آوریم تا ما را در تشخیص افعال درست یا نادرست کمک‌کنند، سروکارمان با اخلاق هنجاری است. در اخلاق هنجاری می‌کوشیم با ابزار عقلانی به مجموعه‌ای از معیارهای قابل قبول دست یافته تا ما را در تعیین اینکه چرا عمل خاصی درست است، توانمند سازد. در دو قرن گذشته، دو نظریه فلسفیه‌ای تبیین رخدادهای اخلاقی ارائه شده است: وظیفه‌گرایی و غایت‌گرایی. در اخلاق هنجاری معاصر، این دو نظریه در برابر هم قرار می‌گیرند. غایت‌گرایان، اعمال درست را بر اساس غایات خیر، مشخص می‌کنند. وظیفه‌گرایان نیز مدعی‌اند که گرچه غایات و وسایل رسیدن به آنها پیوندی ناگسستنی با عمل دارند، اما ویژگی‌های مهم دیگری نیز وجود دارند که تعیین‌کننده درستی یا نادرستی اعمال‌اند. در وظیفه‌گرایی، ملاک سنجش اعمال اخلاقی، وظیفه است. حقانیت افعال اخلاقی ناشی از الزامی می‌باشد که در خود عمل نهفته است؛ یعنی فعل خوب ذاتاً سزاوار تحسین است و نه به علت پیامدهای خویش. بر این اساس، در اخلاق مبتنی بر وظیفه‌گرایی دست‌کم برخی اعمال اخلاقی را می‌توان یافت که با چشم‌پوشی از پیامدهایشان، انجام آنها برای انسان لازم است. اگر غایت‌گرایی، ما را به دیدن پیامدهای عمل توصیه می‌کند، وظیفه‌گرایی، ما را به مشاهده خود عمل - بدون توجه به پیامدهایش - سفارش می‌کند.<sup>۱</sup>

تنگناهای اخلاقی، بخشی از زندگی انسان‌اند. خیلی مواقع نمی‌توان هم‌زمان به وظایف اخلاقی متعدد پایبند بود. فیلسوفان به چنین موقعیت‌هایی تنگنای اخلاقی گفته<sup>۲</sup> و روان‌شناسان در قالب تعارض از آن سخن می‌رانند. تنگنا مسئله‌ای اخلاقی نیست که برایش پاسخی نداریم، بلکه مسئله‌ای است که برای آن چندین پاسخ داریم. هنگامی که با یک تنگنا روبه‌رو می‌شوید، هرکاری کنید بخشی از شما ناراضی خواهد بود. تعارض، ویژگی اصلی چشم‌انداز روان‌شناسی اخلاق است. روان‌شناسان اخلاق می‌کوشند به پرسش‌های توصیفی درباره چگونگی تصمیم‌گیری افراد درباره آنچه باید انجام داد، پاسخ بدهند. در حالی که فیلسوفان اخلاق می‌کوشند به پرسش‌های هنجاری درباره آنچه افراد انجام می‌دهند، پاسخ دهند.<sup>۳</sup>

پرسش کلاسیک روان‌شناسی اخلاق مربوط به ماهیت انگیزش اخلاقی و استدلال‌های اخلاقی است؛ کدام جزئیات علی و قصدی اعمال به قضاوت اخلاقی می‌انجامند؟ این

پرسش، چارچوب چندین دهه پژوهش در روان‌شناسی اخلاق را تشکیل داده و در قلب آن باقی مانده است.<sup>۴</sup> اگر یک بینش بتواند وضعیت کنونی روان‌شناسی اخلاق را توصیف کند این خواهد بود که نظام‌های شناختی متعددی، داوری‌های اخلاقی را همراهی می‌کنند؛ دیدگاهی که در برابر روان‌شناسان شناختی تحولی، همچون پیازه و کلبرگ جای دارد. آنها برای توصیف چارچوب‌های تغییرات تحولی، عملکرد یک نظام داوری اخلاق را فرض می‌گرفتند. اکنون روشن است که ذهن اخلاقی، منظومه‌ای از فرایندهای شناختی متمایزی است که مستقل عمل می‌کنند؛ گاهی تعامل می‌کنند و گاهی رقابت. برای مثال، مل و همکارانش معتقدند که استدلال اخلاقی، ناشی از ادغام چندین فرایند شناختی است، مانند دانش اجتماعی بافتاری که جایگاهش قشر پیش پیشانی است، دانش معنایی اجتماعی که در قشر گیجگاهی جای دارد، و حالت‌های هیجانی و انگیزشی که با فعالیت مسیر قشری-کناری مغز همبسته است.<sup>۵</sup> گرین و همکارانش بر پایه تصویرنگاری مغزی نشان داده‌اند که مناطق مختلف مغز درگیر انواع مختلفی از تصمیم‌گیری اخلاقی‌اند. آنها بر این اساس، نقش دو نظام روان‌شناختی مجزا را پیشنهاد کرده‌اند: ۱. نظامی شناختی که از گزینه‌های افزایش یافته رفاه طرف‌داری می‌کند؛ ۲. نظامی عاطفی که از اعمالی که شامل آسیب بدنی مستقیم به افرادند، بازداری می‌کند.<sup>۶</sup>

درک فرایندهای زیربنایی شناخت اخلاقی تلاشی پویا در روان‌شناسی است. مدت‌هاست که در فلسفه و روان‌شناسی از سناریوهایی برای مطالعه قضاوت اخلاقی استفاده می‌شود.<sup>۷</sup> معماهای اخلاقی کلاسیک غالباً مستلزم آن است که یک تماشاگر، قضاوت کند که آیا مجاز است برای نجات چندین نفر به یک فرد بی‌گناه آسیب وارد کرد.<sup>۸</sup> یکی از نقاط کانونی مهم پژوهش در روان‌شناسی اخلاق، معمای واگن است که فوت<sup>۹</sup> و تامسون<sup>۱۰</sup> به فلسفه مدرن معرفی کردند. فوت ابتدا آن را ساخت و بعدها تامسون آن را توسعه داد.<sup>۱۱</sup> پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند که بیشتر افراد، این را از نظر اخلاقی قابل قبول می‌دانند که برای نجات پنج نفر که در مسیر یک واگن فراری قرار دارند، از کلیدی استفاده کرد که مسیر واگن را به سمت یک نفر عوض می‌کند. اما پذیرفتنی نیست که برای نجات پنج نفر، یک نفر به جلوی واگن هل داده شود تا واگن متوقف شود.<sup>۱۲</sup> غایت‌گرایی در مورد واگن می‌گوید که یک نفر را فدای نجات پنج نفر کن. بیشینه ساختن پیامدها (نجات پنج نفر) مستلزم نقض یک قاعده اخلاقی است. وظیفه‌گرایی می‌گوید وظیفه ما این است که به دیگران بدون رضایت آنها آسیب وارد نکنیم.<sup>۱۳</sup>

معمای واگن در ادبیات فلسفی و روان‌شناختی درباره قضاوت اخلاقی، بسیار معروف شده‌اند، به گونه‌ای که برخی پژوهشگران این پیشنهاد کنایه‌آمیز را مطرح کرده‌اند که باید رشته جداگانه‌ای به نام واگن‌شناسی وجود داشته باشد.<sup>۱۴</sup> با اینکه معمای واگن کاملاً ساختگی به نظر می‌رسد، به دستکاری‌های ظریف، بسیار حساس است که به نوبه خود به آشکار شدن مؤلفه‌های بنیادین اخلاق کمک می‌کند.<sup>۱۵</sup> اما پژوهشگران با دستکاری در اجزای داستان آن، به مطالعه قضاوت اخلاقی می‌پردازند.<sup>۱۶</sup> علاوه بر پژوهشگران رشته‌های روان‌شناسی،<sup>۱۷</sup> علوم شناختی<sup>۱۸</sup> و فلسفه<sup>۱۹</sup>، علاقمندان به مطالعه زیرلایه‌های عصبی اخلاق<sup>۲۰</sup> نیز از معمای واگن در مطالعات عصب‌شناختی به عنوان محرک استفاده می‌کنند.

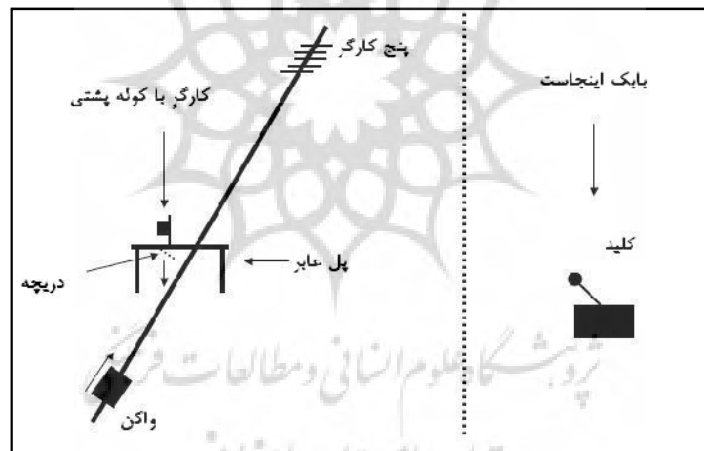
روان‌شناسی اخلاق معاصر بر عمومیت قضاوت‌های اخلاقی تأکید می‌کند.<sup>۲۱</sup> تا این اواخر، به نقش تفاوت‌های فردی در قلمرو روان‌شناسی اخلاق توجه اندکی شده است. اکنون شواهدی در دست است که تفاوت‌های پایدار فردی در اخلاق نقش دارند. رویکرد تفاوت‌های فردی، ابزار ارزشمندی برای مطالعه قضاوت افراد فراهم می‌آورد، چرا که سهم تفاوت‌های فردی کمتر از موقعیت نیست.<sup>۲۲</sup> یکی از معروف‌ترین ابزارهایی که برای مطالعه قضاوت اخلاقی به کار می‌رود، معمای واگن است. در این مقاله، دو نسخه از معمای واگن ارائه شده است. با توجه به آنچه آمد، مطالعه حاضر با هدف بررسی نقش ویژگی‌های فردی شامل جنس، سن، دین‌داری، و شخصیت در قضاوت اخلاقی درباره معمای واگن انجام شده است. پرسش اصلی پژوهش این است که آیا قضاوت اخلاقی با ویژگی‌های فردی مرتبط است یا نه؟

### روشتشکیل تحقیق

دانشجویان دانشگاه تهران، جامعه آماری مطالعه حاضر را تشکیل می‌دهند. ۳۸۹ دانشجوی (شامل ۱۷۱ زن و ۲۱۸ مرد) با روش نمونه‌برداری غیرتصادفی، برای شرکت در دو پژوهش انتخاب شده‌اند. در پژوهش اول، ۲۲۵ نفر (شامل ۱۱۵ زن و ۱۱۰ مرد) شرکت کرده‌اند. میانگین سنی شرکت‌کنندگان در پژوهش اول، ۲۳/۲۰ سال با انحراف استاندارد ۲/۵۷ و دامنه ۱۸ - ۳۵ سال بوده است. ۱۱۲، ۱۰۲ و ۲ نفر از شرکت‌کنندگان به ترتیب، مشغول تحصیل در مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری بوده‌اند. ۹ نفر مقطع تحصیلی‌شان را ذکر نکرده‌اند.

در پژوهش نخست، برای جمع‌آوری داده‌ها ابزارهای زیر به کار رفته است:

معمای واگن (معمای ۱): متن معمای واگن به کار بسته شده در پژوهش نخست، چنین بوده است: «یک واگن خالی با سرعت به سوی پنج کارگر در حال حرکت است. پلی در فاصله واگن و کارگران، وجود دارد و یککارگر با کوله‌پشتی بزرگی روی آن ایستاده است. اگر اقدامی صورت نگیرد واگن به آن پنج کارگر برخورد می‌کند و موجب مرگشان می‌شود. اما می‌توان از مرگ این پنج کارگر جلوگیری کرد. بابک که نظاره‌گر ماجراست، اتفاقاً نزدیک‌کلیدی است که دریچهٔ پل عابر پیاده را باز می‌کند؛ دریچه‌ای که کارگر دارای کوله‌پشتی بزرگ روی آن ایستاده است. بابک متوجه می‌شود که می‌تواند با زدن کلید که کارگر دارای کوله‌پشتی بزرگ را روی ریل می‌اندازد، از مرگ آن پنج کارگر جلوگیری کند. واگن با کارگر برخورد خواهد کرد، ترکیب وزن کارگر و کوله‌پشتی برای توقف واگن کافی است و به جلوگیری از مرگ آن پنج کارگر می‌انجامد. اما تصادف، باعث مرگ کارگر دارای کوله‌پشتی می‌شود.» از شرکت‌کنندگان خواسته شده که پس از مطالعه داستان به پرسش‌های ذیل پاسخ دهند: ۱. آیا از نظر اخلاقی پذیرفتنی است بابک با زدن کلید جان پنج کارگر را نجات دهد که در عوض به مرگ یککارگر منجر می‌شود؟ ۲. اقدام بابک تا چه اندازه از نظر اخلاقی پذیرفتنی است؟ از ۱ (کاملاً غیرقابل قبول) تا ۹ (کاملاً قابل قبول). برای درک بهتر موقعیت، سناریو همراه با تصویر ارائه شده است (شکل ۱).



شکل ۱: تصویر مربوط به معمای نخست

مقیاس تجدیدنظر شده جهت گیری دینی: این مقیاس، پرسش نامه ای چهارده گویه ای و برگرفته از مقیاس آلپورت و راس است. این مقیاس، شامل سه عامل جهت گیری دینی درونی، برونی اجتماعی و برونی فردی است. پایایی این پرسش نامه، مناسب و قابل مقایسه با مقیاس اصلی است. این نسخه کوتاه، قابلیت کاربرد در افراد با سطوح مختلف تحصیلی را دارد.<sup>۲۳</sup> نسخه فارسی این مقیاس توسط قربانی و همکارانش تهیه شده است.<sup>۲۴</sup> پایایی درونی خرده مقیاس های آن با روش آلفای کرونباخ در ایالات متحده به ترتیب برابر با ۰/۸۴، ۰/۵۹ و ۰/۶۲ و در ایران به ترتیب برابر با ۰/۷۴، ۰/۶۸، و ۰/۶۵ به دست آمده است. همبستگی این مقیاس با مقیاس جهت گیری دینی مسلمانان - مسیحیان در ایالات متحده و ایران حاکی از روایی همگرایی مقیاس است.

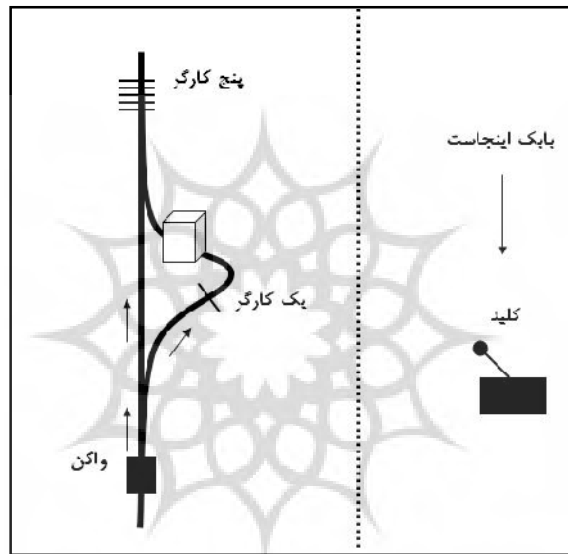
خزانة بین المللی گویه های شخصیت: این مقیاس که توسط گولدبرگ<sup>۲۵</sup> بر اساس الگو پنج عاملی شخصیت ساخته شده است، پنجمان توافق، برون گرایی، وظیفه شناسی، ثبات هیجانی و تجربه پذیر را می سنجد. در این پژوهش، نسخه پنج گویه ای آن به کار رفته است. نسخه فارسی این مقیاس نیز توسط قربانی و همکارانش تهیه شده است. ضریب آلفای کرونباخ در عامل های نسخه فارسی این مقیاس در گروهی از دانشجویان ایرانی از ۰/۵۰ - ۰/۷۰ گزارش شده است.<sup>۲۶</sup> شرکت کنندگان به این پرسش نامه و پرسش نامه پیشین در یک مقیاس پنج درجه ای از عمدتاً نادرست تا عمدتاً درست پاسخ داده اند.

در پژوهش دوم، ۱۶۴ نفر (شامل ۵۶ زن و ۱۰۸ مرد) شرکت کرده اند. میانگین سنی شرکت کنندگان ۲۳/۲۸ سال با انحراف استاندارد ۳/۴۰ و دامنه ۱۸ - ۳۳ سال بوده است. ۷۹، ۷۷ و ۷ نفر از شرکت کنندگان به ترتیب، مشغول تحصیل در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری بوده اند. یک نفر مقطع تحصیلی خود را ذکر نکرده است.

در پژوهش دوم، برای جمع آوری داده ها ابزارهای زیر به کار رفته است:

معمای واگن (معمای ۲): متن معمای واگن به کار بسته شده در پژوهش دوم چنین بوده است: «یک واگن خالی با سرعت به سوی پنج کارگر راه آهن در حال حرکت است. یک انشعاب در سمت راست خط اصلی نیز وجود دارد که یک کارگر در آنجا در حال کار کردن است. یک جعبه بزرگ و سنگین نیز روی ریل و پایین تر از آن، یک کارگر قرار دارد. اگر اقدامی صورت نگیرد، واگن در خط اصلی ادامه مسیر خواهد داد و به مرگ پنج کارگر منتهی می شود (به تصویر نگاه کنید). اما می توان از مرگ آن پنج کارگر جلوگیری

کرد. بابک که نظاره گر ماجراست، اتفاقاً نزدیک‌کلیدی است که واگن را به راه فرعی منتقل می‌کند. بابک متوجه می‌شود که می‌تواند با زدن کلید که واگن را به راه فرعی منتقل می‌کند، از مرگ آن پنج کارگر جلوگیری کند. واگن ابتدا با آن یککارگر و سپس با جعبه سنگین برخورد می‌کند. برخورد واگن با جعبه سنگین موجب توقف واگن خواهد شد و از مرگ آن پنج کارگر جلوگیری می‌شود، اما تصادف، موجب مرگ آن یککارگر می‌شود. اگر جعبه سنگین روی ریل نبود، واگن به مسیر اصلی برمی‌گشت و موجب مرگ پنج کارگر می‌شد. اگر آن یککارگر در مسیر نبود، باز هم جعبه بزرگ، واگن را متوقف می‌کرد.» شرکت‌کنندگان پس از مطالعه سناریو به پرسش‌های ذیل پاسخ داده‌اند. ۱. آیا از نظر اخلاقی پذیرفتنی است که بابک برای نجات جان پنج کارگر، کلید را بزند که در عوض به مرگ یککارگر منجر می‌شود؟ ۲. اقدام بابک تا چه اندازه از نظر اخلاقی پذیرفتنی است؟ از ۱ (کاملاً غیرقابل قبول) تا ۹ (کاملاً قابل قبول). برای درک بهتر موقعیت، سناریو همراه با تصویر ارائه شده است. (شکل ۲)



شکل ۲: تصویر مربوط به معمای دوم. اقتباس از گرین و همکاران (۲۱).

مقیاس خودارزیابی معنویت: این مقیاس شش گویه‌ای، جهت‌گیری معنوی یا معنویت‌مبتنی بر جهت‌گیری درونی را می‌سنجد.<sup>۲۷</sup> نمونه‌ای از گویه‌ها از این قرار است: بسیار سعی می‌کنم تا زندگی‌ام طبق باورهای دینی‌ام باشد (گویه ۲) و از مطالعه درباره معنویت یا دینم لذت

می‌برم (گویه ۴)، این مقیاس در پژوهش‌های بالینی و غیر بالینی، ابزاری معتبر شناخته شده است. پایایی درونی مقیاس با روش آلفای کرونباخ از ۰/۸۲ - ۰/۹۱ بوده است.<sup>۲۸</sup> آلفای کرونباخ نسخه فارسی مقیاس نیز برابر با ۰/۸۲ بوده است.<sup>۲۹</sup>

پرسش‌نامه شخصیت هگزاکو: هگزاکو جایگزینی برای پرسش‌نامه‌هایی است که پنج عامل بزرگ شخصیت را می‌سنجند.<sup>۳۰</sup> هگزاکو علاوه بر تغییراتی که در پنج عامل بزرگ داده است، عامل ششمی با نام صداقت-فروتنی را افزوده است. در این پژوهش، نسخه شصت‌گویه‌ای مقیاس به کار رفته است. سازندگان مقیاس پایایی درونی، شش عامل صداقت-فروتنی، تهییج‌پذیری، برون‌گرایی، توافق، وظیفه‌شناسی، و تجربه‌پذیری را از ۰/۷۷ - ۰/۸۰ گزارش کرده‌اند.<sup>۳۱</sup> همبستگی نمره‌های خودگزارشی و نمره‌های مشاهده‌گر شش عامل هگزاکو از ۰/۴۷ - ۰/۶۰ و همبستگی پرسش‌نامه پنج عاملی نئو با پنج عامل متناظر آن در مقیاس شصت‌گویه‌ای هگزاکو از ۰/۵۳ - ۰/۸۰ بوده است. عامل صداقت - فروتنی قوی‌ترین همبستگی را با عامل توافق داشته است ( $r=0/41$ ). آلفای کرونباخ نسخه فارسی هگزاکو از ۰/۸۵ - ۰/۹۳ و همبستگی عامل‌های آن با پرسش‌نامه نئو از ۰/۴۲ - ۰/۷۹ گزارش شده است.<sup>۳۲</sup>

پرسش‌نامه کنجکاو و اکتشاف ۲: این مقیاس ده‌گویه‌ای که نسخه نو و پیشرفته پرسش‌نامه کنجکاو و اکتشاف است، دو خرده مقیاس دارد. بسط به انگیزش برای جست‌وجوی دانش و تجارب نو اشاره دارد و پذیرش تمایل به پذیرش ماهیت نو، نامشخص بوده و پیش‌بینی نشدنی زندگی روزمره را دربر می‌گیرد. همبستگی مثبت با رشد شخصی، تجربه‌پذیری، خودمختاری، زندگی هدفمند، انعطاف‌پذیری روانی، عاطفه مثبت و ارتباط مثبت با دیگران، حکایت از اعتبار سازه این مقیاس دارد. پایایی درونی آن با روش آلفای کرونباخ بالای ۰/۸۵ گزارش شده است.<sup>۳۳</sup> شرکت‌کنندگان در پژوهش دوم به این پرسش‌نامه و دو پرسش‌نامه پیشین در یک مقیاس پنج درجه‌ای از عمدتاً نادرست تا عمدتاً درست پاسخ داده‌اند.

برای تحلیل داده‌ها از روش‌ها و شاخص‌های آمار توصیفی و استنباطی و نسخه ۱۶ نرم افزار SPSS استفاده شده است.



## یافته‌ها

۶۷/۶ درصد (۱۵۲ نفر) از پاسخ‌دهندگان به معمای اول، اقدام بایک را غیراخلاقی و ۳۲/۴ درصد (۷۳ نفر) اخلاقی دانسته‌اند. ۳۴/۱ درصد (۵۶ نفر) از پاسخ‌دهندگان به معمای دوم، اقدام بایک را غیراخلاقی و ۶۵/۹ درصد (۱۰۸ نفر) اخلاقی دانسته‌اند. اجرای آزمون  $t$  مستقل نشان می‌دهد که مخالفت با اقدام بایک در معمای اول به مراتب شدیدتر از مخالفت با اقدام بایک در معمای دوم است ( $t=۶/۲۲$ ,  $p<۰/۰۱$ ). همچنین آزمون  $t$  مستقل نشان می‌دهد که در سن، متغیرهای دین‌داری و شخصیت (به جز وظیفه‌شناسی) تفاوت معناداری میان مخالفان و موافقان با اقدام بایک در معمای اول وجود ندارد. تنها یک تفاوت در عامل وظیفه‌شناسی مشاهده شده است. مخالفان با اقدام بایک در معمای اول در عامل وظیفه‌شناسی، نمره بالاتری گزارش می‌کنند (جدول ۱). بین دو جنس نیز تفاوت معناداری در قضاوت اخلاقی درباره معمای واگن مشاهده نشده است ( $p=۰/۲۵$ ,  $t=۱/۱۵$ ).

جدول ۱: مقایسه مخالفان و موافقان اقدام بایک در متغیرهای پژوهش ۱

متغیرها	مخالفان		موافقان		t
	SD	M	SD	M	
برون‌گرایی	۰/۳۶	۳/۱۳	۰/۳۹	۳/۰۴	۱/۵۹
توافق	۰/۲۷	۳/۲۰	۰/۳۲	۳/۲۲	۰/۴۱
وظیفه‌شناسی	۰/۳۷	۳/۱۴	۰/۳۸	۳/۰۳	۲/۰۷*
ثبات هیجانی	۰/۵۳	۳/۰۶	۰/۵۸	۳/۰۳	۰/۳۶
تجربه‌پذیری	۰/۳۷	۳/۲۴	۰/۳۶	۳/۱۷	۱/۲۶
دین‌داری درونی	۰/۵۲	۳/۲۱	۰/۵۷	۳/۱۲	۱/۰۸
دین‌داری برونی اجتماعی	۰/۸۵	۱/۹۴	۰/۸۴	۲/۱۴	۱/۶۷
دین‌داری برونی فردی	۱/۱۱	۳/۶۱	۱/۰۶	۳/۷۳	۰/۷۶
سن	۲۲/۹۲	۲/۱۵	۲۳/۳۳	۲/۷۸	۱/۱۴

\* $p<۰/۰۵$ 

بررسی معمای دوم نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین دو گروه مخالف و موافق در متغیرهای سن، دین‌داری و شخصیت (به جز صداقت-فروتنی) وجود ندارد. تنها عامل شخصیتی صداقت-فروتنی در دو گروه متفاوت بوده است. مخالفان، در این عامل، نمره بالاتری گزارش کرده‌اند (جدول ۲). در پژوهش دوم نیز تفاوت معناداری بین دو جنس در قضاوت اخلاقی درباره معمای واگن مشاهده نشده است. ( $p=۰/۲۲$ ,  $t=۱/۲۲$ )

جدول ۲: مقایسه مخالفان و موافقان اقدام بابک در متغیرهای پژوهش ۲

t	موافقان		مخالفان		متغیرها
	SD	M	SD	M	
۲/۱۷*	۰/۶۶	۳/۴۱	۰/۷۰	۳/۶۶	صداقت-فروتنی
۰/۹۹	۰/۵۶	۳/۱۱	۰/۶۸	۳/۰۰	تهییج پذیری
۱/۳۸	۰/۶۲	۳/۵۲	۰/۷۳	۳/۳۶	برون‌گرایی
۰/۹۴	۰/۵۸	۳/۳۴	۰/۶۳	۳/۴۳	توافق
۰/۵۳	۰/۶۰	۳/۴۶	۰/۵۹	۳/۴۱	وظیفه‌شناسی
۰/۸۹	۰/۵۴	۳/۵۵	۰/۵۹	۳/۴۷	تجربه‌پذیری
۰/۳۷	۱/۱۷	۷/۰۱	۱/۳۰	۷/۰۹	کنجکاوی
۱/۴۰	۰/۹۶	۳/۶۳	۱/۲۱	۳/۳۷	دین‌داری
۱/۳۲	۳/۳۰	۲۳/۰۲	۳/۵۶	۲۳/۸۲	سن

\*p&lt;۰/۰۵

پرسش‌نامه هگزاکو برخلاف نسخه پنجاه‌گویه‌ای خزانه بین‌المللی، گویه‌های شخصیت و امکان سنجش صفت‌های شخصیت را فراهم می‌آورد. در خصوص ۲۴ صفت شخصیت هگزاکو، مخالفان با اقدام بابک در صفت صداقت (زیرمجموعه عامل صداقت-فروتنی) نمره بالاتری گزارش کرده‌اند ( $t=۲/۵۲$ ،  $p<۰/۰۵$ ) و در صفت مردم‌آمیزی (زیرمجموعه عامل برون‌گرایی) نمره پایین‌تری گزارش کرده‌اند ( $t=۲/۹۹$ ،  $p<۰/۰۱$ ). در هیچ‌یک از ۲۲ صفت شخصیتی دیگر، تفاوت معناداری مشاهده نشده است.

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه ویژگی‌های فردی با قضاوت اخلاقی انجام شد. بدین منظور از یک معمای کلاسیک در فلسفه اخلاق، یعنی معمای واگن استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تفاوت‌های فردی در سن، جنس، دین‌داری و متغیرهای شخصیتی (به جز وظیفه‌شناسی در معمای اول، و صداقت-فروتنی در معمای دوم) با قضاوت اخلاقی در معمای واگن رابطه ندارند. تفاوت‌های مشاهده شده در خصوص متغیرهای شخصیتی با دو معمای واگن را می‌توان به تفاوت‌های دو مقیاس شخصیت در نظریه‌های زیربنایی‌شان، و تفاوت در متن، گستره محتوای گویه‌های این دو پرسش‌نامه شخصیت، نسبت داد. با وجود نام‌ها و حتی محتوای مشترک این دو پرسش‌نامه، عامل‌های هگزاکو با پنج عامل سنتی تفاوت دارند. محتوای توافق و ثبات هیجانی در پنج عامل، چرخش مجدد کرده و در عامل‌های صداقت-فروتنی، توافق تهییج‌پذیری، پراکنده شده است. عامل توافق هگزاکو تا حدودی با محتوای تحریک‌پذیری و تندمزاجی

مشخصی شود که معمولاً در عامل پایداری هیجانی پنج عامل جای دارد،<sup>۳۴</sup> از این رو، در مجموع، نتایج این دو مطالعه را مؤید یکدیگر قلمداد می‌کنیم.

یک پژوهش مقدماتی، رابطه ضعیفی را بین عامل تجربه‌پذیری از نسخه کوتاه خزانه بین‌المللی گویه‌های شخصیت که پرسش‌نامه‌ای بیست‌گویه‌ای است، نشان داده است ( $r=0/19$ ،  $p=0/056$ ).<sup>۳۵</sup> افزودن «پرسش‌نامه کنجکاوی و انکشاف ۲» در پژوهش دوم به این دلیل بوده که در پی بررسی نقش ابعاد بیشتری از شخصیت و به ویژه عامل تجربه‌پذیری بودیم. کنجکاوی یکی از صفت‌هایی است که معمولاً در عامل تجربه‌پذیری جای می‌گیرد و به علت اهمیتش از آن عامل استخراج شده است و به طور مستقل مطالعه می‌شود.<sup>۳۶</sup> نتایج پژوهش نشان می‌دهد که قضاوت اخلاقی با عامل تجربه‌پذیری خزانه بین‌المللی گویه‌های شخصیت، عامل تجربه‌پذیری پرسش‌نامه هگزاکو و صفت‌های زیرمجموعه آن و نیز پرسش‌نامه کنجکاوی و انکشاف، رابطه نداشته است، از این رو، می‌توان با اطمینان گفت که قضاوت اخلاقی در معمای واگن با عامل تجربه‌پذیری و زیرمجموعه‌هایش رابطه‌ای ندارد.

درک فرایندهای زیربنایی شناخت اخلاقی، تلاشی پویا در روان‌شناسی است. پژوهش‌های روان‌شناختی و فلسفی از سناریوهای استاندارد برگرفته از ادبیات فلسفی استفاده می‌کنند. معماهای واگن موارد جالبی برای آزمودن نظریه‌های شناختی ارائه می‌کنند، چراکه این معماها نشان می‌دهند شِم اخلاقی ما متأثر از عامل‌هایی فراتر از مقایسه پیامدها یا اعمال است،<sup>۳۷</sup> در این مطالعه، دو نسخه معمای واگن بررسی شده است. در معمای اول، کشته شدن یک نفر وسیله‌ای برای نجات جان پنج نفر است و در معمای دوم، پیامد جانبی، نجات جان آنهاست. مقایسه پاسخ به این دو معما نشان می‌دهد که احتمال مخالفت با اقدام عامل در موقعیت نخست، به مراتب بیشتر از موقعیت دوم است. این یافته نشان می‌دهد که فارغ از پیامدها و نتایج اعمال، موقعیت و نیت عامل، نقش مهمی در قضاوت درباره اعمال او دارد. برخی نظریه‌های اخلاقی بر ساختارهای علی متمرکز شده‌اند، از این رو داوطلب تبیین آثار چنین تفاوت‌های ساختاری شده‌اند. غایت‌گرایی بر پیامد تمرکز می‌کند. این نظریه به پیامد کلی عمل نگریسته و به این علت از تبیین تفاوت‌های مشاهده شده در پژوهش حاضر درمی‌ماند، چراکه پیامدهای دو موقعیت یکسان‌اند. آموزه اثر دوگانه، قاعده‌ای غیرغایت‌گرایانه است که طبق آن، تفاوت آسیب رساندن به انسان‌ها به عنوان

یکوسیله یا پیامد جانبی، مهم‌ترین نقش را در تبیین تفاوت‌های اخلاقی در معماهای واگن دارد. اصطلاح اثر دوگانه، به دو اثری اشاره دارد که نتیجه انجام یک عمل‌اند: یک اثر قصد شده، اثر دیگر پیش‌بینی می‌شود و ناخواسته از انجام عمل به وجود می‌آید. این آموزه می‌گوید که اخلاقاً مجاز است که به عنوان یک اثر جانبی، موجب مرگ شد.<sup>۳۸</sup> بنابراین، تفاوت مشاهده‌شده بر پایه آموزه اثر دوگانه به خوبی تبیین می‌شود و نتایج این پژوهش را می‌توان تأیید تجربی بر آن آموزه دانست.

تفاوت مشاهده‌شده در دو معمای واگنبر پایه نظریه‌گرین نیز تبیین‌پذیر است. ویژگی‌های معمای اول (شامل آسیب عامدانه به یک فرد) به گونه‌ای است که نظام هیجانی را تحریک می‌کند و از این رو مخالفت بیشتری را برمی‌انگیزاند. اما در معمای دوم (که آسیب قصد نشده است، بلکه پیش‌بینی شده است)، نظام هیجانی به اندازه موقعیت‌اول، تحریک نمی‌شود، از این رو در معمای دوم، نظام مغزی و روان‌شناختی مرتبط با پیشینه کردن رفاه کلی غلبه یافته است و با احتمال بیشتری اقدام برای نجات چند نفر با موافقت روبه‌رو می‌شود.

در این مطالعه برای بررسی قضاوت اخلاقی افراد از معماهای ساختگی استفاده شده است. استفاده از چنین موقعیت‌های ساختگی این امتیاز را دارد که می‌توان مطمئن شد آزمودنی‌ها آشناییا دل‌بستگی شخصی با جزئیات این موارد ندارند.<sup>۳۹</sup> استفاده از رویکرد تفاوت‌های فردی نشان می‌دهد که در موقعیت‌های واقعی (مانند خودکشی، سقط جنین و اتانازی) قضاوت اخلاقی متأثر از باورهای دینی و عامل‌های شخصیتی روان‌پریشی‌گرایی و روان‌رنجور خویی (معکوس ثبات هیجانی) است؛<sup>۴۰</sup> چیزی که در این پژوهش مشاهده نشده است. این نتایج می‌تواند بیانگر این باشد که قضاوت اخلاقی به خودی خود متأثر از عامل‌های یادشده نیست. قضاوت اخلاقی در مرحله نخست، متأثر از اصول اخلاقی است که در طول تاریخ بشر تکامل یافته‌اند و آنچنان که گرین و همکارانش<sup>۴۱</sup> توضیح داده‌اند، نظام‌های مغزی و روان‌شناختی خاصی را به خود اختصاص داده‌اند. مطالعات بیشتر در این زمینه می‌تواند نقاط تاریک این وجه از ساحت انسان را روشن‌تر سازد.

مطالعه حاضر در نمونه دانشجویی انجام شده است. مطالعه و مقایسه جامعه عمومی، افراد جامعه‌سستیز و افراد دارای آسیب مغزی می‌تواند پنجره‌های جدیدی به روی اخلاق پژوهان بگشاید. مطالعه تجربی دیگر قواعد اخلاقیو بررسی دیگر معماهای اخلاقی از کارهایی است که دیگر پژوهشگران می‌توانند به آنها بپردازند.

پی‌نوشت‌ها

۱. ناصر آقابابایی و جواد حاتمی، «بررسی آموزه اثر دوگانه و نقش قصد در قضاوت اخلاقی»، *اخلاق و تاریخ پزشکی*، ص ۸۷-۷۹.
۲. Sharma, B. P., The end of life decisions – Should physicians aid their patients in dying? *Journal of Clinical Forensic Medicine*, p. ۱۳۳-۱۴۰.
۳. Cushman, F. & Young, L., The psychology of dilemmas and the philosophy of morality, *Ethical Theory and Moral Practice*, p. ۹-۲۴.
۴. Cushman, F., Crime and punishment: Distinguishing the roles of causal and intentional analyses in moral judgment, *Cognition*, p. ۳۵۳-۳۸۰.
۵. Moll, J., et al., The neural basis of human moral cognition, *Nature Reviews Neuroscience*, p. ۷۹۹-۸۰۹.
۶. Greene, J. D. & Haidt, J., How (and where) does moral judgment work? *Trends in Cognitive Sciences*, p. ۵۱۷-۵۲۳.
۷. Cushman, F., et al., The role of conscious reasoning and intuition in moral judgment testing three principles of harm, *Psychological Science*, p. ۱۰۸۲-۱۰۸۹.
۸. Young, L. & Saxe, R., Innocent intentions: A correlation between forgiveness for accidental harm and neural activity, *Neuropsychologia*, p. ۲۰۶۵-۲۰۷۲.
۹. Foot, P.
۱۰. Thomson, J. J.
۱۱. Roeser, S., Intuitions, emotions and gut reactions in decisions about risks: Towards a different interpretation of 'neuroethics', *Journal of Risk Research*, p. ۱۷۵-۱۹۰.
۱۲. Sachdeva, S., et al., Culture and the quest for universal principles in moral reasoning, *International Journal of Psychology*, p. ۱۶۱-۱۷۶.
۱۳. McGuire, J., et al., A reanalysis of the personal/impersonal distinction in moral psychology research, *Journal of Experimental Social Psychology*, p. ۵۷۷-۵۸۰.
۱۴. Sachdeva, S., et al., Ibid.
۱۵. Huebner, B. & Hauser, M. D., Moral judgments about altruistic self-sacrifice: When philosophical and folk intuitions clash, *Philosophical Psychology*, p. ۷۳-۹۴.
۱۶. ناصر آقابابایی، «معمای واگن و تلویحات آن برای اتانازی فعال و غیر فعال»، *اخلاق و تاریخ پزشکی*، ص ۶۵.
۱۷. O'Neill, P. & Petrinovich, L., A preliminary cross-cultural study of moral intuitions, *Evolution and Human Behavior*, p. ۳۴۹-۳۶۷.
۱۸. Young, L. & Saxe, R., Ibid.
۱۹. Nichols, S. & Mallon, R., Moral dilemmas and moral rules. *Cognition*, p. ۵۳۶-۵۴۲.
۲۰. Mendez, M. F. & Shapira, J. S., Altered emotional morality in frontotemporal dementia. *Cognitive Neuropsychiatry*, p. ۱۶۵-۱۷۹.

۲۱. Young, L. & Saxe, R., Ibid.
۲۲. Feltz, A. & Cokely, E. T., Do judgments about freedom and responsibility depend on who you are? Personality differences in intuitions about compatibilism and Incompatibilism, *Consciousness and Cognition*, p. ۳۴۲.
۲۳. Tiliopoulos, N., et al., The means and ends of religiosity: A fresh look at Gordon Allport's religious orientation dimensions, *Personality and Individual Differences*, p. ۱۶۰۹-۱۶۲۰.
۲۴. Ghorbani, N., et al., Muslim-Christian Religious Orientation Scales: Distinctions, correlations, and cross-cultural analysis in Iran and the United States, *The International Journal for the Psychology of Religion*, p. ۶۹-۹۱.
۲۵. Goldberg, L. R., A broad-bandwidth, public domain, personality inventory measuring the lower-level facets of several five-factor models. In I Mervielde, I Deary, F De Fruyt, F Ostendorf (Eds.), *Personality psychology in Europe*, p. ۷.
۲۶. Ghorbani, N., et al., Philosophy, self-knowledge, and personality in Iranian teachers and students of Philosophy, *The Journal of Psychology*, p. ۸۱-۹۵.
۲۷. Galanter, M., Spirituality and recovery in ۱۲-step programs: An empirical model, *Journal of Substance Abuse Treatment*, p. ۲۶۵-۲۷۲.
۲۸. Galanter, M., et al., Assessment of spirituality and its relevance to addiction treatment, *Journal of Substance Abuse Treatment*, p. ۲۵۷- ۲۶۴.
۲۹. ناصر آقابابایی و دیگران، «معنویت و احساس شخصی روان‌درستی در دانشجویان و طلاب»، *علوم روان‌شناختی*، ص ۳۶۰-۳۷۲.
۳۰. Bashiri, H., et al., A Study Of The Psychometric Properties And The Standardization Of HEXACO Personality Inventory, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, p. ۱۱۷۴.
۳۱. Ashton, M. C. & Lee, K., The HEXACO-۶۰: A short measure of the major dimensions of personality, *Journal of Personality Assessment*, p. ۳۴۰-۳۴۵.
۳۲. حسن پالاهنگ و دیگران، «هنجاریابی پرسشنامه ۶ عاملی شخصیت HEXACO-PI-R در دانشجویان ایرانی»، *مجله روان‌شناسی دانشگاه تبریز*، ص ۴۸-۶۶.
۳۳. Kashdan, T. B., et al., The Curiosity and Exploration Inventory-II: Development, factor structure, and psychometrics, *Journal of Research in Personality*, p. ۹۸۷-۹۹۸.
۳۴. Ashton, M. C., et al., The IPIP-HEXACO scales: An alternative, public-domain measure of the personality constructs in the HEXACO model, *Personality and Individual Differences*, p. ۱۵۱۵-۱۵۲۶.
۳۵. ناصر آقابابایی، همان.
۳۶. Kashdan, T. B. et al., Ibid.
۳۷. Sinnott-Armstrong, W., et al., Intention, temporal order, and moral judgments, *Mind & language*, p. ۹۰-۱۰۶.
۳۸. ناصر آقابابایی و جواد حاتمی، همان.

۳۹. Thomson, J. J., Turning the trolley, *Philosophy & Public Affairs*, p. ۳۵۹-۳۷۴.
۴۰. Lester, D., et al., Personality and a pro-death attitude, *Personality and Individual Differences*, p. ۱۱۸۳-۱۱۸۵.
۴۱. Greene, J. D., et al., The neural bases of cognitive conflict and control in moral judgment, *Neuron*, p. ۳۸۹-۴۰۰.



## منابع

- آقابابایی، ناصر، «معمای واگن و تلویحات آن برای اتانازی فعال و غیرفعال»، *اخلاق و تاریخ پزشکی*، ش ۴(۲)، ۱۳۹۰.
- آقابابایی، ناصر، و حاتمی، جواد، «بررسی آموزه اثر دوگانه و نقش قصد در قضاوت اخلاقی»، *اخلاق و تاریخ پزشکی*، ش ۴(۳)، ۱۳۹۰.
- آقابابایی ناصر، و دیگران، «معنویت و احساس شخصی روان‌درستی در دانشجویان و طلاب»، *علوم روان‌شناختی*، ش ۳۱، ۱۳۸۸.
- پالاهنگ، حسن و دیگران، «هنجاریابی پرسش‌نامه ۶ عاملی شخصیت HEXACO-PI-R در دانشجویان ایرانی»، *مجله روان‌شناسی دانشگاه تبریز*، ش ۴(۱۶)، ۱۳۸۸.
- Bashiri, H., Barahmand, U., Akabri, S., Ghamari, H. & Vusugi, A., A study of the psychometric properties and the standardization of HEXACO Personality Inventory, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, ۳۰, ۲۰۱۱.
- Ashton, M. C. & Lee, K., The HEXACO-۶۰: A short measure of the major dimensions of personality, *Journal of Personality Assessment*, ۹۱(۴), ۲۰۰۹.
- Ashton, M. C., Lee, K. & Goldberg, L. R., The IPIP-HEXACO scales: An alternative, public-domain measure of the personality constructs in the HEXACO model, *Personality and Individual Differences*, ۴۲, ۲۰۰۷.
- Cushman, F., Crime and punishment: Distinguishing the roles of causal and intentional analyses in moral judgment, *Cognition*, ۱۰۸, ۲۰۰۸.
- Cushman, F. & Young, L., The psychology of dilemmas and the philosophy of morality, *Ethical Theory and Moral Practice*, ۱۲, ۲۰۰۹.
- Cushman, F., Young, L. & Hauser, M., The role of conscious reasoning and intuition in moral judgment testing three principles of harm, *Psychological Science*, ۱۷(۱۲), ۲۰۰۶.
- Feltz, A. & Cokely, E. T., Do judgments about freedom and responsibility depend on who you are? Personality differences in intuitions about compatibilism and Incompatibilism, *Consciousness and Cognition*, ۱۸, ۲۰۰۹.
- Galanter, M., Spirituality and recovery in ۱۲-step programs: An empirical model, *Journal of Substance Abuse Treatment*, ۳۳, ۲۰۰۷.
- Galanter, M., Dermatis, H., Bunt, G., Williams, C., Trujillo, M. & Steinke, P., Assessment of spirituality and its relevance to addiction treatment, *Journal of Substance Abuse Treatment*, ۳۳, ۲۰۰۷.
- Ghorbani, N., Ghramaleki, A. F. & Watson, P. J., Philosophy, self-knowledge, and personality in Iranian teachers and students of Philosophy, *The Journal of Psychology*, ۱۳۹(۱), ۲۰۰۵.
- Ghorbani, N., Watson, P. J., Gharamaleki, A. F., Morris, R. J. & Hood, R. W., Muslim-Christian Religious Orientation Scales: Distinctions, correlations, and cross-cultural analysis in Iran and the United States, *The International Journal for the Psychology of Religion*, ۱۲(۲), ۲۰۰۲.
- Goldberg, L. R., A broad-bandwidth, public domain, personality inventory measuring the lower-level facets of several five-factor models, *Personality psychology in Europe*, ۷, ۱۹۹۹.



- Greene, J. D. & Haidt, J., How (and where) does moral judgment work? Trends in Cognitive Sciences, ۶(۱۲), ۲۰۰۲.
- Greene, J. D., Nystrom, L. E., Engell, A. D., Darley, J. M., Cohen, J. D., The neural bases of cognitive conflict and control in moral judgment, Neuron, ۴۴, ۲۰۰۴.
- Huebner, B. & Hauser, M. D., Moral judgments about altruistic self-sacrifice: When philosophical and folk intuitions clash, Philosophical Psychology, ۲۴(۱), ۲۰۱۱.
- Kashdan, T. B., Gallagher, M. W., Silvia, P. J., Winterstein, B. P., The Curiosity and Exploration Inventory-II: Development, factor structure, and psychometrics, *Journal of Research in Personality*, ۴۳, ۲۰۰۹.
- Lester, D., Hadley, R. A., Lucas, W. A., Personality and a pro-death attitude, Personality and Individual Differences, ۱۱(۱۱), ۱۹۹۰.
- McGuire, J., Langdon, R., Coltheart, M., Mackenzie, C., A reanalysis of the personal/impersonal distinction in moral psychology research, Journal of Experimental Social Psychology, ۴۵, ۲۰۰۹.
- Mendez, M. F. & Shapira, J. S., Altered emotional morality in frontotemporal dementia, Cognitive Neuropsychiatry, ۱۴(۳), ۲۰۰۹.
- Moll, J., Zahn, R., de Oliveira-Souza, R., Krueger, F. & Grafman, J., The neural basis of human moral cognition, Nature Reviews Neuroscience, ۶, ۲۰۰۵.
- Nichols, S. & Mallon, R., Moral dilemmas and moral rules, *Cognition*, ۱۰۰, ۲۰۰۶.
- O'Neill, P. & Petrino, L., A preliminary cross-cultural study of moral intuitions, *Evolution and Human Behavior*, ۱۹, ۱۹۹۸.
- Roeser, S., Intuitions, emotions and gut reactions in decisions about risks: Towards a different interpretation of 'neuroethics', *Journal of Risk Research*, ۱۳(۲), ۲۰۱۰.
- Sachdeva, S., Singh, P., Medin, D., Culture and the quest for universal principles in moral reasoning, *International Journal of Psychology*, ۴۶(۳) ۲۰۱۱.
- Sharma, B. P., The end of life decisions – Should physicians aid their patients in dying? *Journal of Clinical Forensic Medicine*, ۱۱, ۲۰۰۴.
- Sinnott-Armstrong, W., Mallon, R., Hull, J. & McCoy, T., Intention, temporal order, and moral judgments, *Mind & language*, ۲۳(۱), ۲۰۰۸.
- Thomson, J. J., Turning the trolley, *Philosophy & Public Affairs*, ۳۶(۴), ۲۰۰۸.
- Tiliopoulos, N., Bikker, A. P., Coxon, A. P. M. & Hawkin, P. K., The means and ends of religiosity: A fresh look at Gordon Allport's religious orientation dimensions, *Personality and Individual Differences*, ۴۲, ۲۰۰۷.
- Young, L. & Saxe, R., Innocent intentions: A correlation between forgiveness for accidental harm and neural activity, *Neuropsychologia*, ۴۷, ۲۰۰۹.